

برجستن و چربی نه **طوس** بالغ در زیر خاک کردن و پوشیدن و جستن بالا و یا با بن و اما
کردن زخم و سوزن مطبوخ یعنی نشانه از طعام و جز آن و با کله جگر کند و کلم کند نیز صوف
و بقیه این آسان دست و کتک تین و نشانه در اسپندی و آما و جستن و ویدان و
کردند ام و در زبانا و بالغ و نشانه در اصل **طود** بالغ جستن و رفتن و سوزن کردن در زمین
طاس کباب است و کتک طاس برین طاس را کورا و بدرا و در انداختن و نشانه در **طاس**
بالغ بر جستن و بغیر از کوران جای بلند و بالا و سختی **طوب** بالغ و طاس با کله سوزن است
معرب و بزرگ یعنی در جستن است آن بدم بره **طوب** با کله سوزن در
اصل نارس است و معرب جستن بالغ **طود** بالغ کباب را طاس جمع و بجز طرف
جزئی یا مقابل جزئی باشد و فاصلسان و دوزخ و اندازد و کردید آن کرد جزئی و با کلم
و فنی خانه و کوه است نزدیک آنرا طاس سیمان و طاس سیمان گویند و کوه است نام
و یعنی آنرا طاس سیمان گویند و کوه است قدس از طرف است سحر اقبی گویند آنرا
طاف کوه در آنجا قرار من است خلد است **طوار** بالغ و با کله سوزن و در آنجا خانه
طوار بالغ نام و همچنین طاس جمع **طوس** بالغ با ای از جستن جز آن **طاس** پاک **طود**
بالغ با کله سوزن و چربی که بدان پاک کرده سوز و پاک کنند چربی **طیور** بالغ جستن
خورد و نام با زید سبای **طایر** سوزنده و کردار و دماغ و آنچه بدان فال نمک یا کبریا و جسط
طرح طیور و طایر جمع **طیور** بالغ مرغان و مرغ سوز و جمع آمده **طیار** بالغ و نشانه
یا بسیار سوزنده و نیز قلم سوزا و کار سوز کالو لقب حضرت ایل طاس برای آنکه در
یا نایک طران سوزنده و نیز طاس رجبی قبان آمده اما با معنی فارسی است **مع الزاد**
طوس با کله سوزن کوه و سوز و کوران باشد و بالغ جمع کردن و بری هر جز **طوس** بالغ
و چای هم که آنرا از جمع است **طوس** با کله سوزن **طوار** با کله سوزن جمع سوز نیز
و موضعیست که در آن جامهای نوسبی با نوسب و سب و جامه که برای بادشاهان بافتند

یعنی دیگر هر کس ۱۲

و محال است

و محال است بر و با صفتان و نشانه است ما و المذ و بالغ نیز آمده **طوس** بالغ سوزنده
جزئی و نوز و نونا و و بختین فوسن غلب شدن بعد از بدوئی و با سفاخر پوشیدن
طوس بالغ فوسن و سوزنده و فوسن کردن **طاس** بالغ و نشانه در فوسن و سوزنده
گفته **مع الین طاس** هر وقت هر وقت هر وقت هر وقت هر وقت هر وقت هر وقت هر وقت هر وقت هر وقت
میدان بزرگ هر قسم کبابه و است با باشد و نام شخصی است **طاس** خلق که در و را نشانه
طوس با کله سوزن و بالغ طاس و در و روغ **طوس** بالغ سیمان با کله سوزن و کتک
نشانه است جز اسان **طیس** در بای بسیار **طوس** بالغ جمع کردن بزین **طوس**
با کله سوزن و معنی در جزئی **طوس** با کله سوزن و معنی در کافه و معنی در کافه و معنی در کافه و معنی در کافه
باشند **طوس** معنی نام نشانه است که از ایشان داشته اند از هر حکم اهل اسلام و آمد
و سکون را رسانده الا در **طاس** بالغ و فوسن با و لام نشانه است نام و نشانه است نام
با کله سوزن نام را طاس سیمان و با و فوسن کله سوزن که در این کله سوزن است و معنی
آن بزبان رومی سوزنده **طوس** بالغ کاج **طوس** بالغ و نشانه در سیمان نشانه است
و طاس با کله سوزن جمع **طاس** بالغ و نشانه در سیمان سازنده طاس **طوس** یعنی معنی
جمع کردن بزین **طوس** با کله سوزن **طوس** بالغ جمع کردن و بقیه این سوزنده
و جامه بالغ و کرفا چکین و با **طوس** بالغ هر مرد **طوس** بالغ هر مرد و
و طاسان سیاه و آوردن جزئی چنانکه است و رفتن و بقیه این و نشانه است کبی را
در زندان با کله سوزن و کبی کوبی با زنده از غایت سرحی و همان طاس کند که نشانه
چراک جامه و پوست بر آن نشانه کوبی او زنده باشد و کبی کوبی او زنده باشد
طوس با کله سوزن و طوس بالغ و روغ **طوس** بالغ نام بدندان و کله سوزن
و کج کردن **طوس** بالغ نام بدندان و نشانه جزئی بر آن و نشانه در و در کردن و دور
شدن هر کس که در **طوس** نام **طوس** با کله سوزن **طوس** بالغ نام